

برنامه‌ریزی درسی، به‌ویژه با توجه به فرایند طراحی و تدوین در سطح مدرسه، در فصل بعدی، مورد توجه قرار می‌گیرد. در اینجا صرفاً به سه دسته پرسش اصلی (یا سه نوع متغیر عمده) می‌پردازیم که فرایند برنامه‌ریزی درسی را مشخص می‌کند

الف) جایگاه یا خاستگاه برنامه‌ریزی درسی کجاست؟ به عبارت دیگر، جایگاه تصمیم‌گیری و مسئولیت درباره برنامه درسی کجاست؟ آیا برنامه‌ریزی منشأ بیرونی (بیرون از مدرسه) دارد یا مختص به یک مدرسه و آموزشگاه خاص است؟ به‌طور خلاصه این بحث به تمرکز و عدم تمرکز در برنامه‌ریزی درسی مربوط است.

ب) میزان انعطاف یا امکان دخل و تصرف در برنامه و انواع فعالیت‌های مرتبط با آن چگونه است؟

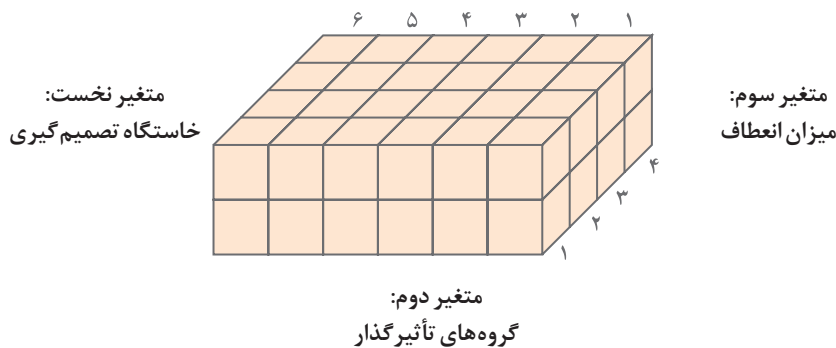
ج) تصمیم‌گیرندگان برنامه درسی یا گروه‌ها و افراد تأثیرگذار در برنامه‌ریزی درسی چه کسانی هستند؟

سه پرسش اصلی که فرایند برنامه‌ریزی درسی را مشخص می‌کند عبارت است از:

الف) جایگاه تصمیم‌گیری و مسئولیت درباره برنامه درسی کجاست؟ آیا برنامه‌ریزی منشأ بیرونی (بیرون از مدرسه) دارد؟

ب) میزان انعطاف یا امکان دخل و تصرف در برنامه و انواع فعالیت‌های مرتبط با آن چگونه است؟

ج) تصمیم‌گیرندگان برنامه درسی یا گروه‌ها و افراد تأثیرگذار در برنامه‌ریزی درسی چه کسانی هستند؟



شکل ۳-۲. سه متغیر عمده فرایند برنامه‌ریزی درسی، به نقل از مهرمحمدی ۱۳۹۲

این سه متغیر عمده دخیل در برنامه‌ریزی را می‌توان در این ماتریس مشاهده کرد. هر یک از یال‌های این مکعب به یکی از این سه متغیر اصلی اختصاص دارد و وضعیت گوناگونی را نمایش می‌دهد که می‌تواند داشته باشد.

تمرکز و عدم تمرکز در برنامه‌ریزی درسی

برنامه‌ریزی درسی به تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی می‌پردازد. منظور از تصمیم‌گیری در اینجا، تصمیم‌گیری درباره برنامه، اجرا و ارزشیابی آن است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، دو رویکرد تمرکز و عدم تمرکز در برنامه‌ریزی درسی، دو جهت‌گیری اصلی و مطرح در برنامه‌ریزی درسی است و متناظر با آنها می‌توان دو سطح^۱ تصمیم‌گیری متفاوت درباره برنامه درسی را از یکدیگر متمایز کرد. این دو سطح تصمیم‌گیری عبارت است از:

الف) تصمیم‌گیری در سطح کلان ملی

ب) تصمیم‌گیری در سطح خرد محلی (مدرسه)

برنامه‌ریزی درسی به تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی می‌پردازد. منظور از تصمیم‌گیری در اینجا، تصمیم‌گیری درباره برنامه، اجرا و ارزشیابی آن است.

۱- در برخی کشورها علاوه بر دو سطح ملی و مدرسه‌ای، سطوح منطقه‌ای و سطح کلاس درس را نیز برای تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی مد نظر قرار می‌دهند.

در برنامه‌ریزی درسی متمرکز در سطح مرکز تصمیمات مربوط به برنامه درسی گرفته می‌شود؛ به این معنا که در دفترهای مرکزی برنامه‌ریزی در زمینه آنچه به دانش‌آموزان هر کشور یا ایالت باید آموزش داد و چگونگی آن، تعیین تکلیف می‌شود. این تصمیم‌ها در قالب تجویزاتی، عمدتاً به صورت کتاب درسی و مواد آموزشی در اختیار مدارس و معلمان قرار می‌گیرد و مدارس و معلمان نیز فعالیت‌های خود را بر اساس این کتاب‌ها و مواد آموزشی به انجام می‌رسانند. این گونه برنامه‌ها توسط متخصصان و صاحب‌نظران برای استفاده سراسری و هماهنگ در کشور تهیه می‌شود و مدارس و معلمان عمدتاً مجری صرف این برنامه‌های تجویزی هستند و حق دخل و تصرف چندانی در آن ندارند.

مهم‌ترین استدلال طرفداران برنامه‌های درسی متمرکز تأمین کیفیت برنامه‌های درسی برای همه دانش‌آموزان کشور است. اینان بر این نظرند عدالت آموزشی ایجاب می‌کند که دانش‌آموزان در همه جای کشور، مناطق برخوردار، نیمه برخوردار و محروم به مناسب‌ترین برنامه‌های لازم برای یادگیری خود دسترسی داشته باشند؛ اما از آنجا که همه معلمان و مدارس، امکانات و شرایط لازم برای برنامه‌ریزی درسی و تهیه یا تولید مواد و منابع درسی مناسب و مطلوب را ندارند، این وظیفه حکومت مرکزی است که با برنامه‌های درسی مشترک و یکسان برای همه این مسئولیت را پاسخگو باشد. نظر بر این است که برخی معلمان و مدارس آمادگی‌ها و توانمندی‌های لازم را برای ایفای مسئولیت برنامه‌ریزی ندارند. از این رو برای تأمین برنامه‌های برخوردار از کیفیت خوب، برای همه دانش‌آموزان کشور، باید در سطح مرکز، برنامه‌ها به صورت هماهنگ و یکسان طراحی و تدوین شود.

منظور از برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز، این است که اختیار تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی به سطوح محلی از جمله مدرسه، شامل مدیر، شورای مدرسه، معلمان و کارکنان مدرسه، و دانش‌آموزان، والدین و اجتماع محلی آنها واگذار گستره محدود و کوچکی (مدرسه) را در مقایسه با تصمیم‌گیری سطح ملی (کشور)، تحت تأثیر قرار می‌دهد. طرفداران این رویکرد با نقد برنامه‌ریزی درسی متمرکز بر این نظرند که برنامه‌های درسی هماهنگ و مشترک برای همه مدارس و دانش‌آموزان، امکان و فرصت چندانی به معلم نمی‌دهد که میان تجربه خاص دانش‌آموزان یک کلاس و مدرسه با اهداف یادگیری ارتباط برقرار کند و پل بزند. از این رو به رغم برخورداری از کیفیت در عمل، یادگیری‌های چندان عمیقی را به دنبال ندارد؛ زیرا چندان به علائق، خواسته‌ها و نیازهای دانش‌آموزان ربط پیدا نمی‌کند.

اینان بر این نظرند که برای اینکه برنامه‌های درسی به یادگیری‌های اصیل و عمیق منجر شود و پایدار در مدرسه به عمر خود ادامه دهد، نیازمند است که از انعطاف و درجاتی از سازگاری با وضعیت محلی و مدرسه‌ای برخوردار باشد و این موضوع با برنامه‌های تهیه شده در مکان‌هایی دور از اجرا، یکسان و تجویزی چندان امکان‌پذیر نیست. آنان برنامه‌های درسی یکسان و کاملاً از پیش تعیین شده را به لباسی تشبیه می‌کنند که باید به تن همه دانش‌آموزان پوشانند. مطمئناً این لباس برای عده‌ای گشاد و بزرگ و برای عده‌ای دیگر تنگ و کوچک خواهد بود. این لباس فقط به قامت افراد کمی متناسب و برازنده خواهد شد.

منظور از برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز، این است که اختیار تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی به سطوح محلی از جمله مدرسه، شامل مدیر، شورای مدرسه، معلمان و کارکنان مدرسه، دانش‌آموزان، والدین و اجتماع محلی آنها واگذار شود.

طرفداران برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز استدلال می‌آورند برای اینکه یادگیری‌های اصیل و عمیق در دانش‌آموزان شکل گیرد، برنامه‌ها باید از انعطاف و درجاتی از سازگاری با موقعیت محلی و مدرسه‌ای برخوردار باشد و این موضوع با برنامه‌های تهیه شده در مکان‌هایی دور از اجرا، یکسان و تجویزی چندان امکان‌پذیر نیست.



شما با کدام یک از استدلال‌های موافق و مخالف با برنامه‌های درسی متمرکز موافق اید؟

تأمل و
بازاندیشی



استدلال دیگر واگذاری تصمیم‌گیری‌های برنامه درسی به مدارس به رشد حرفه‌ای معلمان و کارکنان آموزشی و نیز توسعه سازمان مدارس مربوط است. اگر مدارس و کارکنان آن، مجال بروز و ظهور خلاقیت‌های آموزشی خود را بیابند و در فرایند برنامه‌ریزی مشارکت داشته باشند، نه تنها در ارتقای یادگیری دانش‌آموزانشان مؤثر است، بلکه زمینه ساز توسعه و رشد حرفه‌ای آنان در مدرسه فراهم می‌شود.

تجربه جهانی و یافته‌های پژوهشگران حاکی است تمرکز و عدم تمرکز در برنامه‌ریزی درسی هیچ کدام به تنهایی در عمل، صورت‌های مناسب و کامل برای برنامه‌ریزی درسی نیست. بدون تردید برنامه‌های درسی متمرکز، یادگیری دانش‌آموزان را توسعه و ارتقا می‌دهد و لازم است؛ اما کفایت پاسخگویی به پیچیدگی‌های تنوع انسانی و زندگی‌های گوناگون امروزی را ندارد. با توجه به دیدگاه‌های طرفداران و مخالفان برنامه‌ریزی متمرکز از یک سو و استدلال‌های حامیان عدم تمرکز در برنامه‌ریزی درسی از دیگر سو، می‌توان گفت، این دو گونه برنامه‌ریزی درسی در نظام آموزشی در صورتی که هر یک نقش ویژه و خاص خود را در تعیین وظایف مدرسه انجام دهد، می‌تواند مکمل هم باشد. البته اینکه این ترکیب چگونه باشد و از چه الگویی پیروی کند، موضوع پر مناقشه و متصلی است.

نظام‌های آموزشی مختلف دنیا، تلاش می‌کنند صرفاً به برنامه‌های درسی متمرکز بسنده نکنند و گونه‌های مختلفی از عدم تمرکز را تجربه و اجرایی کنند. با نگاه به تجربه جهانی در زمینه برنامه‌ریزی درسی می‌توان دید که هر کدام از دو رویکرد برنامه‌ریزی متمرکز و غیرمتمرکز، گونه‌ها و شکل‌های متفاوتی دارد که در ادامه بیشتر به آن می‌پردازیم.

تقریباً هیچ کشوری به طور خالص و ناب تمرکز یا عدم تمرکز در برنامه‌ریزی درسی را در عمل به کار نمی‌بندد. عمده کشورها با توجه به دو بعد «چه چیزی» و «چگونه» برنامه درسی، ترکیب‌های مختلفی از این دو رویکرد را به کار می‌بندند.

سطوح تصمیم‌گیری در برنامه درسی و شکل‌های مختلف آن

با نگاهی به نظام‌های آموزشی مختلف دنیا، می‌توان شکل‌ها و گونه‌های متفاوتی از دو رویکرد تصمیم‌گیری، سطح مرکز و سطح مدرسه را مشاهده کرد. البته تقریباً هیچ کشوری به‌طور خالص و ناب این دو رویکرد را در عمل به کار نمی‌بندد. عمده کشورها با توجه به دو بعد «چه چیزی» و «چگونه» برنامه درسی، ترکیب‌های مختلفی از این دو رویکرد را به کار می‌بندند.

مطلب قابل توجه دیگر اینکه، تصمیم‌گیری‌های برنامه درسی سطح مدرسه می‌تواند به دو صورت ذیل باشد:

(الف) با استقلال کامل مدرسه (ب) درون چارچوبی تهیه شده در مرکز.

تصمیم‌گیری در سطح ملی: در این سطح، برنامه درسی متمرکز و مشترک ملی مشخص می‌شود که مسئولیت رشد و پرورش عام همه دانش‌آموزان کشور را بر عهده دارد. در کشورمان این برنامه حجم عمده‌ای از زمان آموزش را به خود اختصاص می‌دهد. متخصصان و کارشناسان این برنامه‌های درسی متمرکز را در قالب مواد و منابع آموزشی (عمدتاً کتاب‌های درسی) در دفترهای برنامه‌ریزی و تألیف وزارت آموزش و پرورش طراحی و تدوین می‌کنند و پس از آن در اختیار مدارس قرار می‌دهند. در کشورمان بر اساس مصوبه ماده ۱۳ برنامه درسی ملی حجم زمان کلی آموزش در دوره دوم متوسطه نظری برابر ۱۲۹۵ ساعت در سال است که در قالب ۳۷ هفته، هر هفته ۳۵ ساعت ارائه می‌شود. البته این حجم برای شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش تا ۴۰ ساعت در هفته قابل افزایش است. این ۳۷ هفته تمامی هفته‌های سال تحصیلی از اول مهرماه تا آخر خرداد (به جز دو هفته تعطیلات نوروزی) را در بر می‌گیرد. از این میان چون به‌طور معمول تقریباً ۶ هفته از این زمان صرف امتحانات نیم‌سال اول و دوم می‌شود در مجموع حدود ۳۱ هفته آموزشی فعال باقی می‌ماند. نویسندگان کتاب‌های درسی، محتوای دروس را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که آموزش هر درس در حدود ۲۸ هفته به سامان برسد.

تصمیم‌گیری در سطح مدرسه: در این سطح، برنامه درسی خاص و ویژه هر آموزشگاه یا مدرسه، و به صورت غیر متمرکز (خارج از مرکز) با تصمیمات افراد درون مدرسه و سایر افراد شایسته محلی یا علاقه‌مندان مشخص می‌شود. برنامه درسی سطح مدرسه امکان ویژه‌سازی آموزش را بر اساس نیازسنجی داخلی مدرسه و سنجش امکانات بالفعل و بالقوه آن در محیط پیرامونی مدرسه فراهم می‌سازد. در کشورمان مدرسه اجازه دارد برای حجم زمانی معینی از برنامه درسی سالانه رسمی مدرسه، هم‌اکنون مجموعاً ۵۰ تا ۱۰۰ ساعت، طبق ضوابط و چارچوبی معین، نسبت به برنامه‌ریزی درسی و اجرای آن برای دانش‌آموزان خود اقدام کند؛ بدین ترتیب مدرسه مجاز است که در ساعات آموزشی روزهای عادی کار مدرسه به جای دروس برنامه هفتگی، جلسات مربوط به برنامه درسی سطح مدرسه را جایگزین کند به گونه‌ای که حجم زمان تعیین شده یعنی ۵۰ تا ۱۰۰ ساعت را محقق سازد. همچنین مدرسه مجاز است و آزادی عمل دارد که در طراحی برنامه خود، جلساتی از برنامه سطح مدرسه را در ساعات غیر رسمی مدرسه مانند بعد از ظهر روزهای عادی، روزهای پنجشنبه و جمعه و حتی تعطیلات

مدرسه اجازه دارد برای حجم زمانی معینی از برنامه درسی سالانه رسمی مدرسه، هم‌اکنون مجموعاً ۵۰ تا ۱۰۰ ساعت، طبق ضوابط و چارچوبی معین، نسبت به برنامه‌ریزی درسی و اجرای آن برای دانش‌آموزان خود اقدام کند.

برگزار کند. مهم این است که در ارائه هر برنامه، اختصاص زمان برای ارائه آن به گونه‌ای باشد که بهترین وضعیت اجرای موفقیت‌آمیز آن را فراهم سازد.

مدارس در چگونگی برنامه‌ریزی برای این زمان در چارچوب مصوب و ابلاغی، استقلال عمل و حق انتخاب دارند. این برنامه‌های غیر تجویزی امکان گنجاندن فعالیت‌های یادگیری را مبتنی بر نیازها و علائق دانش‌آموزان یا متناسب‌سازی برنامه‌ها با موقعیت و اقتضائات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و قومی و... فراهم می‌کند. بر اساس اسناد بالادستی آموزش و پرورش در کشورمان، برنامه درسی سطح مدرسه گرچه جزء برنامه درسی مشترک ملی نیست اصل ارائه آن اختیاری نیست و در حد ساعات تعیین شده جزء الزامات نظام آموزشی و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش و جدول دروس مصوب به شمار می‌آید.

به طور کلی هر برنامه‌ای که در رشد دانش‌آموزان در گستره شش‌گانه رشد و تربیت یعنی رشد اعتقادی و دینی و اخلاقی، رشد علمی و فناورانه، رشد سیاسی و اجتماعی، رشد هنری و زیبایی‌شناسانه، رشد زیستی و بدنی، و رشد اقتصادی و حرفه‌ای و معیشتی دانش‌آموزان مؤثر واقع شود، امکان ارائه در برنامه درسی سطح مدرسه را دارد؛ به عبارت عملیاتی‌تر، برنامه‌های همراستا و حامی حوزه‌های تربیت و یادگیری یازده‌گانه برنامه درسی ملی یعنی حوزه دینی، قرآن و عربی، حوزه علوم تجربی، حوزه فرهنگ و هنر، و زبان و ادبیات، سلامت و تربیت بدنی، کار و فناوری، علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ریاضیات، زبان‌های خارجی، آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده می‌تواند زمینه طراحی و ارائه برنامه در سطح مدرسه قرار بگیرد.

بر این اساس، مدارس کشورمان می‌توانند تنوع فراوانی هم در موضوع برنامه‌ها (بعد چه چیزی برنامه درسی)، هم در انتخاب قالب و چگونگی ارائه آنها و رسانه‌های یادگیری و مواد آموزشی (بعد چگونگی برنامه درسی) به وجود آورند.

موضوعاتی مانند آموزش یک هنر، یک حرفه، یک موضوع علمی، یک مهارت، یک آیین و سنت محلی، یک مبحث اعتقادی، یک ویژگی محلی و منطقه‌ای، یک دوره تاریخی، یک مکتب فکری یا سیاسی یا اجتماعی، یک رشته ورزشی، یک مسئله زیست محیطی، یک معضل اجتماعی، یک میراث فرهنگی و ... می‌تواند بستر یادگیری جدید، مفید، کاربردی و جذابی را فراهم سازد.

از نظر چگونگی ارائه نیز گستره وسیعی در مقابل روی طراحان و ارائه‌کنندگان قرار دارد؛ از بازدید یک ساعته تا کارگاه عملی یک‌ساله، از یک کلاس معمولی تا فعالیت پژوهشی تمام‌عیار، از ارائه مستقیم تا کار پژوهشی دانش‌آموزی، از فعالیت جداگانه تا کار گروهی سازماندهی شده. به لحاظ رسانه‌های یادگیری و مواد آموزشی نیز با تنوع فراوانی رو به رو هستیم. نه تنها تمامی امکانات سنتی آموزش مانند کتاب، جزوه و حتی محتوای شفاهی ارائه شده توسط آموزشگر همچنان مورد تأیید و تأکید است، بلکه امکانات نو پدیدمانند نمایش فیلم و استفاده از محیط‌های چند رسانه‌ای نیز دست طراحان دوره‌ها را بازتر از گذشته می‌کند.

جدول ذیل، شکل‌ها و گونه‌های مختلف تصمیم‌گیری برنامه درسی را در نظام‌های آموزشی مختلف دنیا نشان می‌دهد؛ برای مثال در کشور کره جنوبی برای دوره متوسطه اول، تصمیمات

مدارس در چگونگی برنامه‌ریزی برای این زمان (۵۰ تا ۱۰۰ ساعت)، در چارچوب مصوب و ابلاغی، استقلال عمل و حق انتخاب دارند.

برخی موضوعاتی که مدرسه می‌تواند در برنامه‌های ویژه خود لحاظ کند عبارت است از: آموزش یک هنر، یک حرفه، یک موضوع علمی، یک مهارت، یک آیین و سنت محلی، یک مبحث اعتقادی، یک ویژگی محلی و منطقه‌ای، یک دوره تاریخی، یک مکتب فکری یا سیاسی یا اجتماعی، یک رشته ورزشی، یک مسئله زیست محیطی، یک معضل اجتماعی، یک میراث فرهنگی و ...

مربوط به اینکه «چه چیزی» به دانش آموزان آموخته شود به طور کامل در سطح مرکز گرفته می‌شود؛ اما در عین حال این کشور دست مدارس را برای انتخاب کتاب درسی، شیوه‌های تدریس و آموزش (بعد چگونگی برنامه) کاملاً باز گذاشته است یا برای ذکر نمونه دیگر در کشوری مانند آلمان و برای همین دوره تحصیلی، تعیین تکلیف درباره اینکه به دانش آموزان چه چیزی آموزش داده شود به طور کامل در سطح مرکز انجام می‌شود؛ اما مدارس در انتخاب کتاب درسی و مواد آموزشی براساس آنچه در بازار موجود است، آزادی عمل دارند. کتاب‌های موجود در بازار باید مجوزها و تأییدیه‌های لازم را از سوی مقامات ذی ربط ایالتی بگیرند تا اجازه ورود به بازار نشر کتاب‌های درسی و مواد آموزشی را داشته باشند. آزادی عمل مدارس برای انتخاب با توجه به چارچوب و براساس راهنمای انتخاب مواد آموزشی است که در سطح مرکز تهیه شده است (کارکانین^۱، ۲۰۱۲).

شکل‌ها و گونه‌های مختلف
تصمیم‌گیری برنامه درسی
در نظام‌های آموزشی
مختلف دنیا.

جدول ۲-۳- انواع مختلف آزادی عمل مدرسه در تصمیم‌گیری‌های برنامه درسی (کارکانین، ۲۰۱۲)

تصمیمات مربوط به اینکه چه چیز آموزش داده شود.			
سطح مرکزی به طور کامل	سطح مدرسه درون چارچوب تهیه شده در مرکز	سطح مدرسه با استقلال کامل	
		سطح مدرسه با استقلال کامل	تصمیمات مربوط به اینکه چگونه آموزش داده شود.
		سطح مدرسه درون چارچوب تهیه شده در مرکز	
		سطح مرکزی به طور کامل	

در سال‌های اخیر و به دنبال تصویب اسناد بالادستی آموزش و پرورش، حرکت در جهت دادن مجال انتخاب و تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی به مدارس آغاز شده است. تا پیش از این در کشورمان عمده برنامه‌های درسی مدارس از نوع تجویزی و تهیه شده در مرکز بود.

آیا برنامه درسی سطح مدرسه در کشورمان سابقه داشته است یا برنامه‌ای صددرصد جدید و نو است؟

تأمل و
بازاندیشی



لیکن کشورمان از ابتدای سال تحصیلی ۹۶-۹۵ واگذاری اختیاری به اندازه ۵۰ تا ۱۰۰ ساعت در سال از برنامه درسی رسمی به مدارس را آغاز کرده است. تجربه کشورهایی مانند ما، که حرکت از نظام برنامه‌ریزی درسی کاملاً متمرکز در جهت عدم تمرکز را آغاز کرده‌اند، نشان می‌دهد، گرچه این حرکت بسیار کند صورت می‌گیرد، مورد استقبال واقع می‌شود. لازم به ذکر است پیش از این در مقام عمل بسیاری از مدارس غیر دولتی و بعضی از مدارس دولتی کشورمان، تجربه‌ای طولانی در ارائه برنامه‌های سطح مدرسه را در کارنامه عمل خود دارند. این برنامه‌ها معمولاً با عناوینی مانند طرح‌های علمی و آموزشی، نشست‌های ارائه فعالیت‌های پژوهشی، نمایشگاه‌های هنری، کلاس‌های ویژه و فوق برنامه ارائه می‌شد.

میزان انعطاف و انواع فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی درسی

مدارس در محدوده اختیارات خود، تصمیمات متفاوتی در زمینه برنامه‌های درسی خاص خود می‌توانند بگیرند؛ مثلاً برخی مدارس تصمیم می‌گیرند زمان ارائه فعالیت‌های برنامه خاص خود را خارج از ساعات رسمی مدرسه ارائه کنند یا ممکن است ترجیح دهند کل یک روز کاری مدرسه را به این برنامه‌های خود اختصاص دهند یا ممکن است مدرسه‌ای موضوع درسی جدیدی در ارتباط با منطقه و نیازهای محلی در این برنامه بگنجانند یا برخی دیگر موضوعات بین رشته‌ای را ممکن است ترجیح دهند.

میزان آمادگی و ظرفیت مدرسه برای پذیرش مسئولیت و گرفتن تصمیم‌های برنامه درسی مناسب، نوع فعالیت‌های مدرسه را در این زمینه مشخص می‌کند. برخی از صاحب‌نظران انواع مختلف این فعالیت‌ها را روی طیفی به شرح ذیل قرار داده‌اند:



قبول وفادارانه، انتخاب، بازنگری، تدوین و تولید جدید. طیفی تشکیل می‌دهد که مدرسه براساس میزان آمادگی و ظرفیت پذیرش مسئولیت می‌تواند جایگاه خود را در زمینه برنامه‌ریزی درسی روی آن مشخص کند.

قبول وفادارانه، انتخاب، بازنگری، تدوین و تولید جدید.

قبول وفادارانه در نظام‌های برنامه‌ریزی متمرکز اتفاق می‌افتد؛ به این معنا که مدارس به‌طور کامل و وفادارانه برنامه‌های مرکز را تدریس می‌کنند و هیچ‌گونه دخل و تصرفی در برنامه‌ها نمی‌کنند. معمولاً به این دست برنامه‌ها، برنامه‌های مقاوم در برابر معلم^۱ گفته می‌شود؛ زیرا به گونه‌ای طراحی و تولید می‌شود که کاملاً تجویزی، و فاقد هر گونه انعطاف برای مداخله معلم به منظور انطباق با شرایط ویژه کلاسش است.

انتخاب به این معناست که مدرسه از میان برنامه‌های درسی مختلف، براساس ملاک‌ها و معیارهایی به انتخاب دست می‌زند و یک یا چند مورد را برمی‌گزیند؛ برای نمونه فرض کنید، مدرسه تصمیم می‌گیرد، یک برنامه آموزش داستان نویسی برای دانش‌آموزان برگزار کند. مدرسه برنامه‌های مختلفی شناسایی می‌کند که به آن دسترسی دارد؛ استفاده از برنامه‌های هنرستان، برنامه داستان نویسی فرهنگ‌سرای محل، برنامه داستان نویسی مراکز وابسته به دانشگاه‌ها یا آموزشگاه‌های آزاد؛ سپس بر اساس ملاک‌هایی که در مدرسه بحث و بررسی شده است، یکی را انتخاب می‌کند.

بازنگری و تدوین (تولید) جدید نیز به ترتیب به این معنا است که مدرسه در برنامه‌های درسی در دسترس و موجود بازنگری می‌کند و یا فعالیت‌های کاملاً جدید توسط معلمان و سایر همکاران تدوین می‌کند. اگر مثال برنامه داستان نویسی را در نظر بگیرید، بازنگری به این معنا خواهد بود که مدرسه برنامه داستان نویسی را که انتخاب کرده است متناسب با اهداف و مقاصدش تغییر می‌دهد؛ مواردی را حذف یا اضافه می‌کند و یا اصلاحات و تعدیل‌هایی به وجود می‌آورد. تدوین جدید نیز به این معناست که مدرسه خودش برنامه داستان نویسی خاصی برای خودش تولید می‌کند.

جدول ۴-۲- میزان انعطاف و فعالیت‌های مدرسه

عناصر برنامه	میزان انعطاف	قبول وفادارانه	انتخاب	بازنگری	تولید
اهداف برنامه					
محتوا					
روش‌های تدریس					
ارزشیابی و سنجش					

در جدول روبه رو ترکیب میزان انعطاف با برخی عناصر اصلی برنامه درسی نمایش داده شده است. خانه‌های این جدول گزینه‌های مختلفی است که مدرسه از میان آنها حق انتخاب دارد.

در بسیاری از کشورهای دنیا مشارکت معلمان در برنامه‌ریزی درسی به انتخاب مواد آموزشی محدود است. در این حالت معلم / گروه معلمان / شورای مدرسه از میان مواد درسی و آموزشی موجود دارای مجوز به انتخاب و گزینش دست می‌زنند.

در این جدول ترکیب میزان انعطاف با برخی از عناصر اصلی برنامه درسی نمایش داده شده است. خانه‌های این جدول گزینه‌های مختلفی است که مدرسه از میان آنها حق انتخاب دارد. برخی صاحب‌نظران با شرح و گسترش بیشتری فعالیت‌های برنامه‌ریزی درسی سطح مدرسه را توضیح داده‌اند. آنان بر این نظرند که به‌طور کلی این فعالیت‌ها می‌تواند شامل امور ذیل شود (الف) انتخاب و گزینش (ب) انطباق و بازنگری (ج) تلفیق (د) تدوین و تولید برنامه‌های درسی جدید

الف) انتخاب و گزینش: انتخاب مطالب درسی یا مواد آموزشی مهم‌ترین تصمیم‌گیری مدرسه است. در بسیاری از کشورهای دنیا مشارکت معلمان در برنامه‌ریزی درسی فقط به انتخاب مواد آموزشی محدود می‌شود. در این حالت معلم / گروه معلمان / شورای مدرسه از میان مواد درسی و آموزشی موجود دارای مجوز به انتخاب و گزینش دست می‌زنند. اگرچه ممکن است به نظر رسد که «انتخاب» از «تهیه و تدوین» راحت‌تر است، اما این مهارت

به نظر شما مهم‌ترین ملاک انتخاب مواد آموزشی چیست؟

تأمل و بازاندیشی



تجربه و عمل

با گفتگو و بحث در شورای مدرسه فهرستی از ملاک‌های ارزیابی برای انتخاب و گزینش مواد و برنامه‌های درسی مناسب برای مدرسه خود تهیه کنید.



را نباید دست کم شمرد؛ زیرا گزینشگری و انتخاب؛ مستلزم برخورداری از قضاوت حرفه‌ای و مهارت کافی است. وجود موارد جایگزین که بتوان از میان آنها به انتخاب دست زد و آگاهی از آنها نیز بسیار مهم است. در این صورت باید فهرستی از موارد جایگزین را تهیه کرد که می‌توان در بازار / شبکه مجازی یافت. پس از آن باید بر اساس قواعد و ملاک‌هایی به ارزیابی و انتخاب صحیح دست زد. این قواعد و ملاک‌ها علاوه بر اینکه می‌تواند توسط مدرسه مشخص شود، توسط صاحب‌نظران و مرکز نیز می‌تواند تعیین گردد.

در کشورهای توسعه یافته، رقابت شدیدی برای جلب توجه مدارس و مشتریان در زمینه انتخاب مواد و برنامه‌های آموزشی موجود وجود دارد. از این رو شرکت‌هایی را می‌توان یافت که برای افراد و گروه‌های مختلف نسخه‌های گوناگون و جایگزینی از یک برنامه تهیه می‌کنند در حالی که در کشورهایی که برنامه‌های درسی متمرکز، شیوه غالب و اصلی است، به دلیل اینکه بازاری به این منظور شکل نگرفته است، وضع این گونه نیست.

باید توجه کرد که انتخاب می‌تواند سطوح مختلفی داشته باشد به این معنا که برای مثال انتخاب می‌تواند شامل برنامه‌ای با مجموعه‌ای کامل از لوازم و امکانات خاص مرتبط با آن باشد یا صرفاً سرفصل‌ها و محتوای آموزش؛ به عبارت دیگر انتخاب می‌تواند شامل دو سؤال اصلی «چه چیزی» باید آموزش داد و «چگونه» باید آموزش داد و لحاظ کردن عناصر دهگانه برنامه درسی باشد.

انتخاب و گزینش برنامه‌های درسی می‌تواند سطوح مختلفی داشته باشد به این معنا که انتخاب می‌تواند شامل برنامه‌ای با مجموعه‌ای کامل از لوازم و امکانات خاص مرتبط با آن باشد یا صرفاً سرفصل‌ها و محتوای آموزش، یا ...

تأمل و بازاندیشی

به نظر شما هنگام انطباق برنامه‌های درسی به چه جنبه‌هایی باید توجه کرد؟

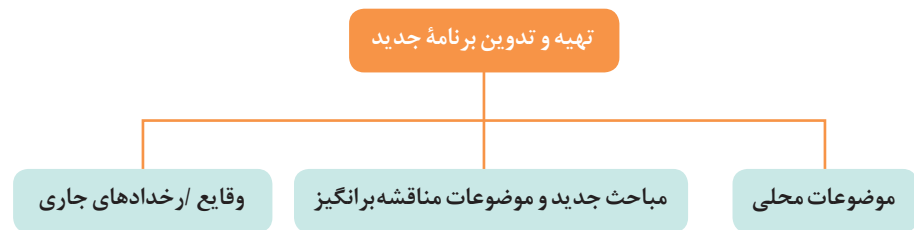


ب) انطباق و بازنگری: منظور از انطباق و بازنگری، تغییراتی است که در هر برنامه ایجاد می‌شود تا با افراد و گروه جدیدی متناسب شود. انطباق برنامه درسی می‌تواند در سطح ملی یا مدرسه صورت گیرد. در سطح مدرسه و کلاس، انطباق عمدتاً به منظور اینکه برنامه‌ای با ویژگی‌های زیست‌محیطی، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند گرایش‌های دینی و مذهبی، سیاسی، قومی و زبانی سازگار گردد، انجام می‌شود. همین‌طور باید توجه کرد که برای انتقال هر برنامه درسی، که برای منطقه‌ای پیشرفته صنعتی تهیه شده است به منطقه‌ای با اقتصاد کشاورزی و زمینه کمتر صنعتی انطباق و سازگاری ضروری است. حتی انتقال یک برنامه درسی از منطقه صنعتی به منطقه صنعتی دیگر که از نظر منابع انرژی، مواد خام و فرآورده‌ها با هم تفاوت دارد، نیازمند سازگارسازی و اصلاحات است.

تلاش برای هماهنگی بیشتر میان موضوعات درسی و سازماندهی دروس به گونه‌ای که عناصر مشترک میان دروس را مد نظر قرار دهد و به گونه‌ای جدید سازماندهی یابد که یادگیری معنادار تر برای دانش آموز منجر شود، تلفیق برنامه درسی خوانده می‌شود.

ج) تلفیق: تلاش برای هماهنگی بیشتر میان موضوعات درسی و سازماندهی دروس به گونه‌ای که عناصر مشترک میان دروس را مد نظر قرار دهد و به گونه‌ای جدید سازماندهی یابد که به یادگیری معنادار تر برای دانش آموز منجر شود، تلفیق برنامه درسی خوانده می‌شود. غالباً تلفیق، فعالیتی مدرسه محور به شمار می‌رود. برای مثال درس علوم تلفیقی به گونه‌ای یکپارچه شامل زیست‌شناسی، فیزیک، شیمی، زمین شناسی و نجوم است یا درس علوم، فناوری و جامعه (STS)^۱ را می‌توان یک واحد بین رشته‌ای تلفیقی مهم دانست که هدفش شناخت متقابل میان علم، کاربرد فناوری و جامعه و به‌ویژه پیامدهای مثبت و منفی آن در زندگی است. این گونه برنامه‌ها، معمولاً «مسئله محور» هستند و دانش آموز را قادر می‌کند تا از جنبه‌های مختلف هر موضوع آگاه شود؛ موضوعاتی مثل ذخائر معدنی، بهداشت و تغذیه. در برخی برنامه‌های درسی تلفیقی توسعه منطقه و روستای محل زندگی دانش آموز مد نظر بوده است. موضوعی مثل آموزش محیط زیست می‌تواند به خوبی به صورت تلفیقی مورد توجه قرار گیرد.

د) تهیه و تدوین برنامه‌های درسی جدید: تهیه برنامه‌های درسی جدید می‌تواند به شکل‌های مختلف و با توجه به این موارد باشد: الف) موضوعات محلی ب) وقایع جاری ج) مباحث علمی جدید و موضوعات مناقشه برانگیز علمی / اجتماعی / سیاسی / اقتصادی.



موضوعات محلی: منظور، موضوعات مرتبط با هر منطقه است که به صورت یک درس یا درسی تلفیقی تهیه می‌شود. در واقع این گونه مباحث به محیط زندگی دانش آموز ارتباط دارد. این گونه مباحث میان تجربیات شخصی دانش آموز و مطالب درسی ارتباط برقرار می‌کند. در بیشتر موضوعات درسی می‌توان مباحث محلی و منطقه‌ای را جای داد؛ مانند تاریخ محله و منطقه، زندگینامه شخصیت‌های مطرح محلی، بررسی پدیده‌های چند فرهنگی و تأکید بر فرهنگ اقوام مختلف منطقه، گنجینه‌های هنری موزه‌های منطقه، وضعیت تجاری و صنعتی، موقعیت‌های شغلی موجود، ذخائر اقتصادی، گیاهان و جانوران آن منطقه مطالبی است که می‌تواند در برنامه درسی سطح مدرسه گنجانده شود.

وقایع جاری: برخی اتفاقات می‌تواند زمینه ایجاد فعالیت آموزشی جدید در مدرسه برای تأکید بر اهمیت آن واقعه باشد. چنانچه این گونه اتفاقات به نظام برنامه ریزی ملی و مرکز واگذار شود، ممکن است به دلیل طولانی بودن فرایند آن، نتیجه مطلوب را تأمین نکند؛ برای نمونه برخی حوادث طبیعی یا سوانح یا رخداد های اجتماعی اقتصادی محلی می‌تواند دستمایه

مطالعه دانش آموزی در سطح مدرسه باشد؛ برای نمونه اگر در اثر سانحه‌ای طبیعی مشکل و آسیبی متوجه مردم محل شود، مدرسه می‌تواند برنامه‌ای در قالب یادگیری خدمت‌رسانی^۱ به مردم محل تهیه کند. یا برای مثالی دیگر اگر در یک روستا یا شهر کوچک کارگاه صنعتی یا فراوری محصولات باغی و کشاورزی افتتاح می‌شود، بررسی تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی آن کارگاه بر زندگی محلی می‌تواند موضوعی باشد که در قالب طرح‌های دانش آموزی مورد بررسی قرار گیرد.

یادگیری خدمت‌رسانی یکی از قالب‌های مناسب برای برنامه‌های درسی سطح مدرسه است. این گونه فعالیت‌ها کنشگری و اقدام را با برنامه درسی ترکیب می‌کند و دانش‌آموزان عملاً درگیر فعالیت‌های واقعی می‌شوند. در کشورمان اردوهای جهادی نمونه‌ای از این گونه برنامه‌هاست.

تجربه و عمل

با مشارکت همکاران و دانش‌آموزان، برنامه‌ای برای تبدیل یکی از وقایع جاری مدرسه یا محل، به پروژه دانش‌آموزی تدوین کنید.



موضوعات جدید و مباحث مناقشه برانگیز: مدارس می‌توانند در ارتباط با موضوعات جدید علمی یا اجتماعی، فعالیت‌های آموزشی خود را سامان بدهند. این موضوعات عمدتاً حول مسائل بحث برانگیز و مناقشه‌آفرین است؛ مانند موضوعات مرتبط با مهندسی ژنتیک و محصولات تراریخته، مسائل مرتبط با زیست‌فناوری، مسائل زیست‌محیطی و انواع آلودگی‌های محیطی، مسائل مربوط به بیماری‌های صعب‌العلاج و گسترش برخی بیماری‌های غیر واگیر، مسائل مربوط به تغذیه و محصولات فراوری شده. برخی مسائل اجتماعی-فرهنگی که مدرسه می‌تواند با توجه به دغدغه‌ها و پرسش‌های ذهنی دانش‌آموزان و عمدتاً در قالب نشست‌ها به آنها بپردازد، عبارت است از: استفاده از فضای مجازی و نظارت دولت بر آن، حجاب و مسائل مربوط به حقوق زنان، بیکاری جوانان و مصرف کالاهای داخلی، مد و تجمل‌گرایی، شبهات اعتقادی و دینی و

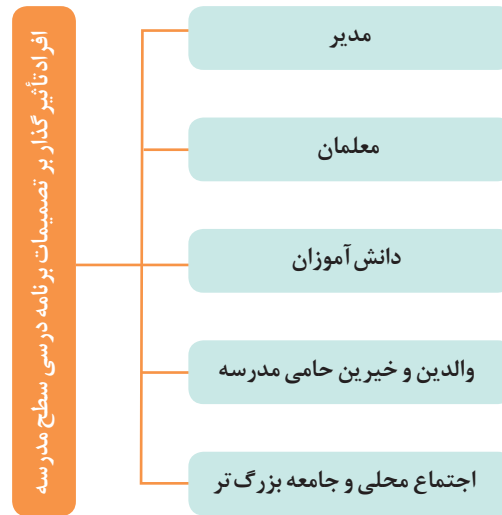


افراد و گروه‌های تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های برنامه درسی

افراد متعددی در تصمیم‌گیری‌های برنامه درسی، خواه در سطح مدرسه خواه در مرکز، مؤثر هستند^۲: الف) افراد دست‌اندرکار درون مدرسه (مدیر، معاون، مشاور و معلم و تمام کارکنان مدرسه)، ب) والدین و افراد جامعه محلی (ج) دانش‌آموزان (د) متخصصان، پژوهشگران و افراد دانشگاهی (ه) بازار نشر و تولید و ارائه‌کنندگان مواد و خدمات آموزشی از جمله کسانی هستند که تصمیمات برنامه درسی سطح مدرسه را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این میان برخی به‌طور جدی‌تر در برنامه‌های درسی سطح مدرسه ایفای نقش می‌کنند که در ادامه، نقش و چگونگی اثرگذاری این افراد در تصمیمات مدرسه توضیح داده می‌شود.

۱- Service learning

۲- Stakeholders از این افراد بعضاً با عنوان یاران آموزشی متشکل از افراد ذی‌علاقه، ذی‌ربط و ذی‌نفع یاد می‌شود.



مدیر در تصمیم‌گیری‌های برنامه درسی سطح مدرسه نقش بسیار مهمی دارد. یکی از مهم‌ترین اقدامات او ایجاد ارتباطات صمیمانه و روحیه مشارکت در میان معلمان، دانش‌آموزان، والدین و سایر کارکنان به منظور تصمیم‌گیری‌های بهینه است.

الف) مدیر: مدیر مدرسه در تصمیم‌گیری‌های برنامه درسی سطح مدرسه نقش بسیار مهمی دارد. موارد ذیل برخی از فعالیت‌های خاص مدیر در این زمینه است (لوی، ص ۱۱۱):

- ایجاد ارتباطات صمیمانه و روحیه مشارکت در میان معلمان، دانش‌آموزان، والدین و سایر کارکنان به منظور تصمیم‌گیری‌های بهینه؛
- کوشش به منظور ایجاد موقعیت‌های تقویت ارتباطات علمی؛
- ایجاد اتفاق نظر درباره وظایف مدرسه؛
- ایجاد روحیه علمی قوی در مدرسه.

موضوع مهم در شکل‌گیری و استمرار برنامه‌های درسی سطح مدرسه این است که آگاهی و موافقت مدیر برای هرگونه تغییر و برنامه درسی جدیدی لازم و ضروری است. مسئولیت و نقش مدیر در مقایسه با زمانی که برنامه درسی سطح مدرسه مطرح نبود، خلاقانه‌تر و پویاتر است. مدیریت چنین مدرسه‌ای، باید برنامه درسی سطح مدرسه را فرصتی فکورانه، همراه با آزادی عمل بداند؛ مجالی که به مدرسه امکان بروز توانمندی‌ها و خلاقیت‌های نهفته و در نتیجه رضایت‌مندی بیشتر مدیر، همکارانش، دانش‌آموزان و اولیای ایشان را می‌بخشد. مجالی که فرصت‌طلایی مدیریت است و نه بار اضافه‌ای که بر دوش او نهاده شده است و علاوه بر کارهای عادی باید با دلتنگی و اجبار، لاقلاً به صورت صوری آن را انجام دهد و در واقع از سر باز کند! تأکید زیاد مدیریت بر جنبه‌های اداری کارش، نوعی کم‌توجهی در ایفای نقش‌های مرتبط با مسائل آموزشی و پرورشی مدرسه را به دنبال دارد. مدیر در برنامه ریزی درسی سطح مدرسه، رهبری برنامه درسی را برعهده دارد. برای اینکه مدیر، نقش رهبری را به خوبی ایفا کند، باید تمرکز فعالیت‌های مدرسه و آموزشگاه تحت مدیریتش «یادگیری دانش‌آموزان» باشد و این موضوع نیازمند این است که او زمان بیشتری را صرف ارتباط و تعامل حرفه‌ای با معلمان کند.

تجربه و عمل

دفترچه‌ای برای ثبت تجربه خود در زمینه برنامه ریزی درسی سطح مدرسه تهیه کنید و پیوسته یادداشت‌های خود را در آن بنویسید. طی چند سال این دفترچه منبع ارزشمندی برای شما و سایر مدارس در زمینه رهبری برنامه درسی خواهد بود.



مدرسه‌ای در جهت تهیه برنامه‌های درسی ویژه خود موفق عمل خواهد کرد که در آن اجتماع حرفه‌ای معلمان شکل بگیرد؛ به عبارت دیگر شوراها و جلسات مدرسه از قالب اداری و سلسله مراتبی خارج شود و به موضوعات اصلی مربوط به آموزش و یادگیری‌های واقعی و اصیل دانش آموزان بپردازد.

مدرسه‌ای در جهت تهیه برنامه‌های درسی ویژه خودش موفق عمل خواهد کرد که در آن اجتماع حرفه‌ای معلمان شکل بگیرد؛ به عبارت دیگر شوراها و جلسات مدرسه از قالب اداری و سلسله مراتبی خارج شود و به موضوعات اصلی مربوط به آموزش و یادگیری‌های واقعی و اصیل دانش آموزان بپردازد. مدیر مدرسه در شکل‌گیری و استحکام اجتماع حرفه‌ای معلمان نقش بسیار پررنگی دارد. شورای مدرسه، وقتی به اجتماعی حرفه‌ای تبدیل می‌شود که مدیر به عنوان عضوی از جلسه و نه قدرت مافوق و برتر در جلسات شرکت کند و فضا و مناسبات را برای طرح موضوعات مرتبط با آموزش و تصمیم‌گیری جمعی به‌عنوان افرادی حرفه‌ای باز بگذارد و از میزان کنترل بر تصمیم‌گیری‌ها بکاهد.

در این بخش مناسب است به وظیفه شورای مدرسه نیز اشاره‌ای بشود. انتخاب عناوین برنامه‌های ارائه شده، هدف، محتوا و سرفصل‌های هر برنامه توسط شورای مدرسه با هدایت و مسئولیت مدیر مدرسه انجام می‌شود. هر یک از معلمان یا اولیا یا افراد حقیقی و متخصص بیرونی و نیز مؤسسات حقوقی دولتی و غیر دولتی می‌توانند پیشنهادکننده اجرای برنامه آموزشی در مدرسه باشند؛ اما این شورای مدرسه است که درباره ارائه برنامه و ملاحظات مرتبط با آن تصمیم‌گیری می‌کند. شورای مدرسه همچنین می‌تواند نسبت به سفارش طراحی و اجرای برنامه‌های خاص مورد نظر خود به افراد ذی صلاح اقدام کند.

در برنامه درسی سطح مدرسه، تأیید برنامه‌ها و مسئولیت رعایت چارچوب‌های مصوب و ابلاغی بر عهده مدیر مدرسه است نظارت، ارزشیابی عملکرد و تشویق و تقدیر از طراحان برنامه، ارائه‌کنندگان، حامیان و دانش‌آموزان در سطح درون مدرسه توسط مدیر مدرسه انجام می‌شود. نظارت، ارزشیابی عملکرد، پایش، تشویق و تقدیر از مدیران و شوراهای مدارس توسط ادارات آموزش و پرورش بر اساس کیفیت گزارش ارائه شده توسط مدرسه، و در قالب‌هایی مانند طرح عالی مدیریت مدرسه و طرح‌های مشابه از سطح منطقه تا سطح ملی انجام می‌شود.

لازم به ذکر است، افراد بیرون از مدرسه نیز می‌توانند جزء ارائه‌کنندگان برنامه‌های درسی سطح مدرسه باشند. این افراد باید از صلاحیت‌های عمومی و اخلاقی معلمی برخوردار باشند و به لحاظ تخصصی صلاحیت اجرای دوره مربوط را نیز داشته باشند. تشخیص این موضوع بر عهده مدیر مدرسه است.

انتخاب عناوین برنامه‌های ارائه شده، هدف، محتوا و سرفصل‌های هر برنامه توسط شورای مدرسه با هدایت و مسئولیت مدیر مدرسه انجام می‌شود. هر یک از معلمان، یا اولیا یا افراد حقیقی و متخصص بیرونی و نیز مؤسسات حقوقی دولتی و غیردولتی می‌توانند پیشنهادکننده اجرای برنامه آموزشی در مدرسه باشند؛ اما این شورای مدرسه است که درباره ارائه برنامه و ملاحظات مرتبط با آن تصمیم‌گیری می‌کند.

ب) معلم: معلمان فعال‌ترین گروه در برنامه‌ریزی درسی سطح مدرسه هستند. نقش آنان در تصمیمات برنامه درسی بر حسب آمادگی‌های مدرسه و زیرساخت‌های آن متفاوت خواهد بود. آنان به دلیل تعاملات هر روزه و چهره به چهره با دانش‌آموزان، شناخت خوبی از علائق، نیازها و خواست‌های شاگردان خود دارند. به علاوه سال‌ها تجربه معلمی به آنان دانش عملی خوبی داده است که آماده مشارکت مؤثر در برنامه‌ریزی درسی سطح مدرسه هستند.

عمل پژوهی^۱، خواه به صورت فردی یا مشارکتی نیز می‌تواند به آنها شأن پژوهشگری مسائل آموزشی اعطا کند. از این رو نظر آنها در تصمیم‌گیری در «بعد چه چیزی» برنامه درسی، بسیار تعیین‌کننده است. معلمان با توجه به «بعد چگونگی» برنامه درسی نیز نقش منحصر به فردی دارند. اجرای برخی از برنامه‌های درسی سطح مدرسه به دست آنها عملیاتی می‌شود و صورت واقعی به خود می‌گیرد.

معلمان برای مشارکت در برنامه‌ریزی‌های مدرسه و بروز توانمندی‌هایشان باید مجال و فرصت بیابند و از رشد و ارتقای دانش حرفه‌ای آنان حمایت شود. به این منظور برخورداری از فضای منعطف و حامی برای سعی و خطا می‌تواند به شدت بر انگیزه آنها در مشارکت در برنامه‌ریزی‌های سطح مدرسه مؤثر باشد.

ج) والدین دانش آموزان و خیرین حامی مدرسه: اولیا عمدتاً به مسائل آموزشی فرزندانشان علاقه‌مند هستند. والدین می‌توانند با توجه به بعد «چه چیزی» برنامه‌های درسی سطح مدرسه در گزینه‌هایی که مدرسه انتخاب می‌کند، نقش مهمی داشته باشند. این تأثیرگذاری می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم باشد. معمولاً کارکنان مدرسه از حمایت والدین از برنامه‌ها استقبال می‌کنند؛ اما به دخالت آنها در تصمیمات مربوط به مدرسه تمایلی نشان نمی‌دهند. در برنامه درسی سطح مدرسه، والدین در این موارد می‌توانند مشارکت کنند (لوی، ص ۱۱۷):

- نظارت بر اجرای صحیح تکالیف فرزندانشان؛
- حضور در فعالیت‌ها و مراسمی که فرزندانشان، بیرون و درون مدرسه، به عنوان ناظر در آن شرکت دارند؛
- حمایت‌های مالی از فعالیت‌های مدرسه یا فعالیت‌های داوطلبانه در تأمین لوازم یا خدمات مورد نیاز مدرسه؛
- شرکت در شوراهای مدرسه و ایفای نقش سیاست‌گذارانه.

جلب حمایت‌های والدین به توانایی مدرسه در تشخیص موضوعات مورد توافق میان معلمان، دانش‌آموزان و والدین بستگی دارد. در صورتی که زمینه مناسب در ایجاد حس همکاری در والدین فراهم شود، می‌توان انتظار همراهی آنان را با مدرسه داشت. آگاه‌سازی آنان نسبت به برنامه‌ها و اقدامات، برگزاری جلسات و دوره‌های توجیهی از جمله عوامل معین همراهی آنان با مدرسه است. به علاوه برخی از والدین به‌ویژه آن دسته از والدین مشارکت‌جو و توانمندتر، می‌توانند در پیشنهاد موضوع، طراحی برنامه، سازماندهی و اجرا و ارزشیابی برنامه و پشتیبانی از آنان نقش پررنگ‌تری داشته باشند. مدرسه می‌تواند با برانگیختن احساس مؤثر و مفید بودن آنان، بیش از پیش همکاری آنان را جلب کند.

آگاه‌سازی والدین نسبت به برنامه‌ها و اقدامات، برگزاری جلسات و دوره‌های توجیهی از جمله عوامل معین همراهی آنان با مدرسه است.

با مدیران سایر مدارس در زمینه شیوه‌های جلب همکاری بیشتر والدین و افراد شایسته محلی گفت‌وگو و تبادل تجربه کنید.



۱- Action research معادل رایج دیگر این اصطلاح اقدام پژوهی است.

به طور خلاصه، اولیای دانش‌آموزان و جامعه خیرین حامی مدرسه می‌توانند در مقام پیشنهادکننده، ارائه‌کننده، دستیار اجرایی، حامی و پشتیبان و تأمین‌کننده منابع مادی و مالی و فراهم کردن امکانات ایفای نقش کنند، بدین ترتیب، اجرای فعالیت‌های ذیل عنوان برنامه ویژه مدرسه با مشارکت فکری، علمی، آموزشی، مالی و تدارکاتی والدین دانش‌آموزان از قوت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌شود. تک تک اولیای دانش‌آموزان در مقام پیشنهادکننده می‌توانند موضوعاتی را که فکر می‌کنند مناسب و لازم است در این برنامه ارائه شود از طریق انجمن مدرسه به مدیریت و شورای مدرسه اعلام کنند. همچنین اگر فرد مناسبی برای ارائه موضوع مورد نظر به عنوان مدرس می‌شناسند، معرفی کنند. بدیهی است اجرای بعضی از برنامه‌ها مستلزم تأمین منابع انسانی، مالی و مادی است. شاید این بخش مهم‌ترین وجه کمک اولیا به اجرای برنامه ویژه مدرسه به شمار آید.

د) دانش‌آموزان: انتخاب موضوعات و مسائل مورد علاقه دانش‌آموزان یا تشخیص نیازها و خواسته‌های آنان در موفقیت برنامه‌های سطح مدرسه عامل کلیدی و اساسی است. بدون انگیزه و اشتیاق دانش‌آموزان برای شرکت در این برنامه‌ها، همه تلاش‌ها و کوشش‌ها بی‌نتیجه خواهد بود. فولن^۱ و همکاران بر اساس پژوهشی در ایالت اونتاریوی آمریکا به این نتیجه رسیدند که فقط تعداد کمی از دانش‌آموزان در مدرسه احساس می‌کنند که از سوی معلم و کارکنان مدرسه درک می‌شوند و به خواسته‌ها و علائق آنها توجه می‌شود. فقط ۴۱٪ دانش‌آموزان دوره ابتدایی، ۳۳٪ دانش‌آموزان دوره اول متوسطه و ۲۵٪ دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه اظهار کرده‌اند که معلمان و کارکنان آموزشی مدرسه دیدگاه‌ها و نظر آنها را می‌فهمند. در این پژوهش ۵۰٪ دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه کلاس‌ها و دروس مدرسه را خسته‌کننده و کسالت‌بار و به دور از علائق خود ارزیابی کرده‌اند (فولن، ص ۱۷۴). به نظر می‌رسد، حضور و ایفای نقش دانش‌آموزان در تصمیمات مربوط به برنامه درسی سطح مدرسه در ایجاد انگیزه و علاقه و احساس تعلق بیشتر به مدرسه و برنامه‌های درسی در آنها به شدت مؤثر باشد. مدرسه می‌تواند به گونه‌های مختلف نیازها، علائق و خواسته‌های دانش‌آموزان را برای تعیین موضوعات و شیوه آموزش تشخیص دهد؛ از جمله پرسش مستقیم از خود آنها، نظر معلمان و کسانی که با دانش‌آموزان به طور مستمر و گسترده ارتباط دارند و نظایر آن.

حضور و ایفای نقش دانش‌آموزان در تصمیمات مربوط به برنامه درسی سطح مدرسه در ایجاد انگیزه و علاقه و احساس تعلق بیشتر به مدرسه و برنامه‌های درسی در آنها به شدت مؤثر است.

بر اساس تجربه حرفه‌ای خود، شیوه همکاری مؤثر دانشگاه را با مدرسه چگونه می‌دانید؟

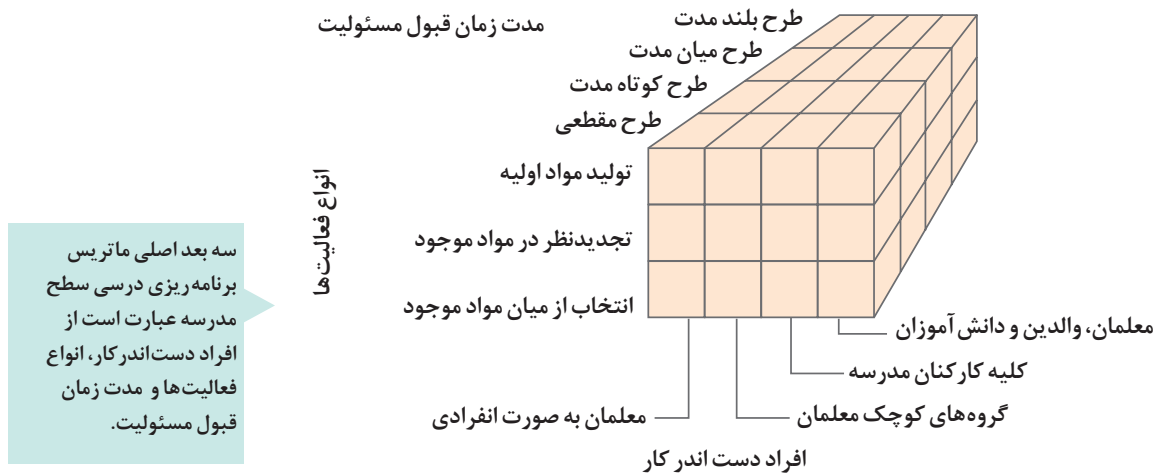
تأمل و بازاندیشی



برنامه درسی سطح مدرسه می‌تواند علاوه بر انتخاب موضوع در چگونگی پرداختن به موضوعات، تشکیل گروه‌ها، شیوه و گونه‌های مختلف ارائه فعالیت‌هایشان و ... به دانش‌آموزان، حق انتخاب و آزادی عمل دهد. البته باید توجه کرد، اگر دانش‌آموزان شایستگی‌های لازم را برای ایفای نقش پررنگ در این برنامه‌ها به دست نیاورده باشند، سپردن نقش عمده و جدی برای تعیین ماهیت یادگیری آنان به دستاورد چندان سودمندی منجر نخواهد بود.

ه) **جامعه بزرگ تر و اجتماع محلی:** مساجد، فرهنگ سراها، مراکز فرهنگی و هنری، کتابخانه ها، موزه ها و بوستان ها، سینماها، تئاترها، صاحبان مشاغل و فعالیتهای اقتصادی، افراد شایسته بیرونی از جمله ظرفیتهایی است که مدرسه می تواند در ارتباط با آنها برنامه های ویژه خود را سامان دهد؛ حتی مدرسه می تواند با دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به ویژه دانشکده های علوم تربیتی در برنامه های خاص خود مشارکت کند. مشارکت دانشگاه با مدرسه شکل های مختلفی می تواند داشته باشد؛ برای نمونه، مدرسه می تواند از دانشگاه تقاضای کارشناس و مشاور بکند.

در پایان این بخش و با توجه به اینکه با سه دسته سؤال اساسی (یا سه متغیر عمده آن) برنامه ریزی درسی آشنا شدید، می توان این مطالب را به طور خلاصه و خاص برنامه ریزی درسی سطح در یک ماتریس نمایش داد.



شکل ۴-۲- برنامه ریزی درسی سطح مدرسه

سه بعد اصلی این ماتریس به ترتیب عبارت است از افراد دست اندر کار، انواع فعالیت ها و مدت زمان قبول مسئولیت. با نگاه به خانه های این ماتریس، گزینه های مختلفی را، که در هر یک از سه بعد این مکعب برای مدرسه متصور است، می توان دید و جایگاه مدرسه خود را مشخص کرد؛ برای نمونه، اگر در مدرسه ای، هر معلم جداگانه و مقطعی از میان برنامه های موجود در بازار برای دانش آموزان خودش به انتخاب دست بزند، اولین مکعب کوچک پایین سمت چپ این ماتریس نشان دهنده وضعیت برنامه ریزی درسی آنهاست در حالی که اگر مدرسه ای دیگر برای یک بازه زمانی طولانی مدت، مثلاً یک یا چند ساله و با مشارکت کارکنان مدرسه، دانش آموزان و والدین آنها/ برنامه های جدید تولید کند، اولین مکعب کوچک بالای سمت راست گویای وضعیت برنامه ریزی درسی آنهاست. در واقع هر مدرسه ای با توجه به امکانات، رویکرد رهبری برنامه درسی خود و آمادگی کارکنانش می تواند از میان طیف گوناگونی از انواع فعالیت ها و مدت زمان در نظر گرفته شده برای آنها، برنامه ریزی درسی سطح مدرسه خود را عملیاتی کند. این انتخاب ها به تدریج به مدرسه هویت و وجه

ممیزه خاص می بخشد که گویای جهت گیری های یاددهی یادگیری مدرسه خواهد بود. در هر صورت مهم است که مدرسه در جهت پاسخگویی هر چه بیشتر و بهتر به خواست و نیازهای آموزشی ویژه دانش آموزان و اولیای آنان، و بر اساس امکاناتی که بالقوه یا بالفعل می تواند از آنها بهره ببرد، و نیز اهداف و مطلوبیت هایش، رشد و توسعه یابد.

۶- گسترش برنامه درسی سطح مدرسه

مهم ترین روش گسترش برنامه درسی سطح مدرسه، ایجاد فضای کمک فکری مدارس به یکدیگر در اجرای آن است؛ به عبارت دیگر در صورت ایجاد ارتباط بین مدیران و شوراهای مدارس هم جوار و همفکری و تبادل تجربیات بین آنها می توان الگویی را برای گسترش و ترویج برنامه ویژه مدرسه و زمینه سازی برای ایجاد شبکه ای مجازی برای به اشتراک گذاشتن افکار، برنامه ها و محتواهای تولید شده، امکانات و آمادگی ها به وجود آورد. شبکه های اجتماعی، ارتباط های غیررسمی معلمان و دانش آموزان و والدین و راه های ارتباطی کمتر شناخته شده نیز به طور غیرمستقیم موجب ترویج و گسترش افکار اثربخش تر و مفیدتر در این زمینه می شود. در صورتی که فکر یا نوآوری مدرسه ای به گونه ای باشد که تأثیر و سودمندی آن را در موقعیت ها و مدرسه های مختلف نشان دهد، حتی ممکن است، این نوآوری برنامه درسی از سطح صف و مدرسه به ستاد و برنامه های ملی و هماهنگ کشوری نیز راه یابد. این شیوه از گسترش اصطلاحاً از پایین به بالا در مقابل شیوه از بالا به پایین گفته می شود.

ایجاد فضای کمک فکری مدارس به یکدیگر در اجرای برنامه درسی سطح مدرسه، مهم ترین روش گسترش این برنامه است.

به نظر شما، مزیت های شیوه گسترش از پایین به بالا در مقایسه با شیوه های دیگر چیست؟

تأمل و بازاندیشی



۷- چالش های پیش روی برنامه ریزی درسی سطح مدرسه

گفته اند «بهترین روش برای یادگیری انجام دادن است». این سخن در اینجا به این معناست که با مرور زمان و طی سال ها مدرسه در تصمیمات مربوط به برنامه های ویژه خود پخته تر و شایسته تر عمل خواهد کرد و به تعبیر دیگر گریزی از بعضی بی تجربگی ها و بعضاً سعی و خطاهای اولیه نیست. اما اطلاع از برخی مسائل پیش رو در کاستن چالش ها مؤثر است. عمده این مسائل و چالش ها به قرار زیر است:

- مسائل مربوط به برداشت ها و تلقی های محدود یا نادرست از برنامه درسی سطح مدرسه؛
- مسائل مربوط به فرهنگ معلمی و مدرسه؛
- مسائل مربوط به مهارت های گفت و گو و تصمیم گیری؛
- محدودیت های مرتبط با زمان، بودجه و امکانات.

الف) مسائل مربوط به برداشت‌ها و تلقی‌های محدود یا نادرست

مهم‌ترین محدودیت اجرای این برنامه، وجود نگاه حداقلی به کارکرد مدرسه و رضایت دادن به انتظارات کمیته از عملکرد مدرسه توسط اداره‌کنندگان نظام آموزشی از سطح سیاست‌گذاری کلان تا کف مدرسه است.

مهم‌ترین محدودیت اجرای این برنامه، وجود نگاه حداقلی به کارکرد مدرسه و رضایت دادن به انتظارات کمیته از عملکرد مدرسه توسط اداره‌کنندگان نظام آموزشی از سطح سیاست‌گذاری کلان تا کف مدرسه است. نادیده گرفتن امکانات و ظرفیت‌ها و تمرکز صرف بر ارائه بخش تجویزی برنامه‌های درسی و تأکید بر آموزش‌های آزمون‌مدار به طور جدی به حذف برنامه درسی سطح مدرسه می‌انجامد. عدم احساس نیاز عمومی در دانش‌آموزان و اولیا و مربیان به این برنامه‌ها در حکم، عامل اصلی نادیده گرفته شدن برنامه یا اجرای صوری و ظاهری آن خواهد بود.

این برنامه مطلقاً به معنای ارائه کلاس‌هایی برای ترمیم یا تقویت دروس هفتگی، یعنی اجرای کلاس‌های کمک آموزشی و کمک درسی، حل تمرین، رفع اشکال، تیزهوشان، آموزش زبان خارجی، آمادگی برای امتحانات نهایی و المپیادهای علمی، آزمون سراسری و مشابه آن نیست.

در ادامه، بخش دیگری از چالش‌های پیش روی برنامه درسی سطح مدرسه را با عنوان «برنامه ریزی درسی سطح مدرسه چه چیزی نیست»، پی می‌گیریم. این برنامه مطلقاً به معنای ارائه کلاس‌هایی برای ترمیم یا تقویت دروس هفتگی، یعنی اجرای کلاس‌های کمک آموزشی و کمک درسی، حل تمرین، رفع اشکال، تیزهوشان، آموزش زبان خارجی، آمادگی برای امتحانات نهایی و المپیادهای علمی، آزمون سراسری و مشابه آن نیست. همچنین اجرای برنامه‌های جشنواره‌ای عمومی مانند جشنواره‌های ورزشی و هنری را که با ارائه دوره آموزشی ویژه‌ای همراه نیست، به سختی می‌توان به عنوان برنامه درسی ویژه مدرسه تلقی کرد. برنامه‌های مناسبی و تبلیغی را نیز فقط هنگامی که دارای برنامه و بار آموزشی قصد شده و معین باشد، می‌توان به عنوان برنامه ویژه مدرسه در نظر گرفت.

این برداشت‌های نادرست از برنامه درسی سطح مدرسه ناشی از کج فهمی درباره مأموریت و هدف اصلی آن است.

ب) مسائل مربوط به فرهنگ مدرسه و معلمی

برنامه‌ریزی درسی نیازمند همکاری و کار گروهی است. از این رو هر آنچه مانع فعالیت‌های جمعی و گروهی شود، کیفیت برنامه‌های تدوین شده را تحت الشعاع قرار می‌دهد. با توجه به این موضوع، یکی از مهم‌ترین موانع پیش روی برنامه‌ریزی درسی سطح مدرسه، فردگرایی و انزوایی^۱ است که معمولاً عجین و همراه حرفه معلمی است. سرسون^۲، یکی از صاحب نظران تعلیم و تربیت بر این نظر است که معلمان اگرچه در محیط‌ها و موقعیت‌های با تراکم انسانی زیاد به سر می‌برند از نظر روان‌شناختی تنها هستند؛ زیرا ارتباط آنها با معلمان و بزرگسالان دیگر ناچیز و کم است. او بر این نظر است که معلمان علاوه بر اینکه تنها هستند، خود را نیز با وضعیت تنهایی تطبیق می‌دهند (مهرمحمدی، ۱۳۸۱، ص ۴۴۶). آنان طی سالیان کاری خود می‌آموزند که از پس مسائل مربوط به دانش‌آموزان خود یک‌تنه و به تنهایی باید برآیند. این تجربه زیسته به آنان می‌آموزد که به تنهایی مسئول آموزش در کلاس‌ها و یادگیری دانش‌آموزانشان هستند. این نگاه نوعی فردگرایی را در آنها نهادینه می‌کند. نگاهی که مانع می‌شود معلمان در تصمیم‌گیری‌هایی که به کلاس‌هایی جزء کلاس‌هایشان مربوط می‌شود شرکت کنند و به طور جدی در آن احساس مسئولیت کنند.

۱- Teacher isolation

۲- Sarason

گویی دیواری ضخیم میان فعالیت‌های خود و دیگر همکارانشان وجود دارد و فعالیت‌ها و اقدامات آنان به ایشان هیچ ربطی ندارد. مدرسه باید برای از میان بردن این فرهنگ فردگرایانه، فعالیت‌های جمعی و گروهی میان معلمان را تشویق کند. در غیر این صورت معلمان برای مشارکت مؤثر در برنامه‌های سطح مدرسه احساس مسئولیت جدی نخواهند کرد.

یکی از مهم‌ترین موانع پیش روی برنامه‌ریزی درسی سطح مدرسه، فردگرایی و انزوایی است که معمولاً عجیب و همراه حرفه‌معلمی است.

ج) مسائل مربوط به مهارت‌های گفت‌وگو و تصمیم‌گیری

همان‌طور که گفته شد، برنامه‌ریزی درسی، فعالیتی جمعی و گروهی است. از این رو تصمیم‌گیری درباره ابعاد مختلف برنامه درسی سطح مدرسه نیازمند مشارکت کارکنان آموزشی مدرسه است؛ برای همین شورای مدرسه یا جلسات و گروه‌های کاری، محل طرح دیدگاه‌ها و نظریات مختلف و بعضاً متعارض است تا با بحث و گفت‌وگوی جمعی و تضارب آرا تصمیمات مناسبی برای تعیین برنامه درسی سطح مدرسه گرفته شود. وقتی در این گونه جلسات، فکر و نظری مطرح می‌شود، ممکن است برخی افراد به دلیل رعایت احترام همکار خود حتی اگر نظر او را مناسب ندانند از طرح دیدگاه‌های خود صرف نظر کنند یا ممکن است موقع تصمیم‌گیری نهایی، نظری پذیرفته شود که توسط همکار با سابقه‌تر یا در جایگاه با سلسله مراتب اداری بالاتر طرح شده باشد و نه نظری که مناسب و اثر بخش‌تر است. این گونه موارد از آفت‌های تصمیم‌گیری برنامه درسی سطح مدرسه است و بدون تردید مانع بالفعل شدن توانمندی‌های افراد و ارتقای ظرفیت‌های برنامه‌ریزی مدرسه می‌شود.

صداقت و احترام در طرح دیدگاه‌ها، در جریان گفت‌وگو برای تصمیم‌گیری برنامه‌های درسی را مد نظر داشته باشید. رعایت این دو اصل کمک می‌کند شما و همکارانتان وارد تضارب آرای جدی و در عین حال سازنده و رشد دهنده شوید.

موضع ندیم سلطان محمود در جلسات شورای مدرسه چگونه می‌بود؟

تأمل و بازاندیشی



سلطان محمود را در هنگام گرسنگی بادمجان بورانی پیش آوردند، خوشش آمد و گفت: بادمجان طعمی است خوش!

ندیمی در مدح بادمجان فصلی پرداخت و چون سیر شد گفت: بادمجان چیز خیلی مضر است! ندیم، باز در مضرت بادمجان مبالغتی تمام کرد.

سلطان گفت: ای مردک نه این زمان که مدحش می‌گفتی؟ گفت: من ندیم توام نه ندیم بادمجان، مرا چیزی باید گفت که تو را خوش آید نه بادمجان را!

صداقت و احترام در طرح دیدگاه‌ها، دو ویژگی مهمی است که این آفت‌ها را می‌تواند از بین ببرد. جو و فرهنگ حاکم بر جلسات و شوراهای مدرسه باید به گونه‌ای باشد که افراد در طرح دیدگاه‌های خود بتوانند صادق و به دور از ریاکاری عمل کنند و اگر مخالف فکر یا نظری هستند به راحتی بتوانند آن را بیان کنند. نباید این موضوع به معنای بی احترامی به فرد مقابل تلقی شود و پیامدی در روابط بین فردی به وجود آورد. بیان همراه با احترام مطالب و نظریات نیز در رشد گفت‌وگوهای سازنده و تداوم گفت‌وگوهای بین فردی و رسیدن به تصمیمات مناسب تر نقش بسیار مهمی دارد. مخالفت با نظر دیگران باید به دیدگاه‌های آنان و نه شخصیت فرد مقابل معطوف باشد.

در مدارس فاقد امکانات مالی باید بر روی طراحی و ارائه برنامه‌های کم‌هزینه - بی‌هزینه متمرکز شد. استفاده از افراد داوطلب (دانش‌آموختگان مدرسه، والدین و ...) برای مشارکت در اجرا و ارائه این برنامه‌ها یکی از مهم‌ترین ارکان سازماندهی و اجرای برنامه ویژه مدرسه به‌شمار می‌آید.

د) محدودیت‌های مرتبط با زمان، بودجه و امکانات

تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی سطح مدرسه نیازمند تشکیل جلسات و گروه‌های کاری و شرکت معلمان و کارکنان مدرسه در آنهاست. رسیدن به زمان مشترک میان کارکنان مدرسه، خواه در ساعت رسمی خواه در خارج آن معمولاً به راحتی فراهم نیست. لزوم تداوم این‌گونه جلسات و اختصاص زمان در کل سال تحصیلی برای آن مسئله دیگری است که پیش‌روی مدرسه است.

این‌گونه جلسات به شورای مدرسه و گروه‌های برنامه‌ریزی منحصر نیست؛ بلکه تخصیص زمان به‌منظور شناسایی منابع آموزشی مناسب و مقرون به صرفه برای مدرسه و نیز صاحبان مشاغل یا مکان‌های مناسب برای بازدید علمی، کارورزی، و به‌طور کلی فرصت‌های برون مدرسه‌ای مرتبط با برنامه‌های درسی سطح مدرسه لازم را نیز شامل می‌شود. اختصاص زمان برای گفت‌وگو و رایزنی با والدین، صاحب نظران و سایر مشارکت‌کنندگان برون مدرسه‌ای از کارهای زمان‌بر و مستلزم صرف زمان و هزینه است. نکته دیگر اینکه معلمان معمولاً زمانی در این فعالیت‌ها شرکت می‌کنند، که این‌گونه جلسات رسمی باشد.

در مدرسه شما کدام یک از این مسائل و محدودیت‌ها پررنگ‌تر است؟ شما برای رفع آنها چه پیشنهادهایی دارید؟

تأمل و بازاندیشی



وقتی موضوعی نیازمند صرف زمان است، بدون تردید بار مالی نیز به دنبال دارد. علاوه بر این موضوع تهیه و تدارک لوازم مرتبط با فعالیت‌های طراحی شده در برنامه‌های خاص مدرسه نیز مطرح می‌شود. محرومیت‌ها و محدودیت‌های شدید مادی، مالی و فرهنگی بستر اجتماعی مدرسه می‌تواند دست مسئولان مدرسه را در ارائه برنامه‌ها ببندد. در مدارس فاقد امکانات مالی باید بر طراحی و ارائه برنامه‌های کم‌هزینه - بی‌هزینه متمرکز شد. استفاده از افراد داوطلب (دانش‌آموخته مدرسه، والدین، ...) برای مشارکت در اجرا و ارائه این برنامه‌ها یکی از مهم‌ترین ارکان سازماندهی و اجرای برنامه ویژه مدرسه به‌شمار می‌آید. خلق امکانات یکی از ملاک‌های توانمندی و کارایی مدیر به حساب می‌آید. بدیهی است کارایی هر سامانه، مطلق نیست و با توجه به امکانات آن سنجیده می‌شود.

در پایان این بخش بر رعایت دو اصل ذیل برای پیشگیری از مسائل و مشکلات احتمالی تأکید می‌شود:

الف) رعایت سیاست‌های مصوب نظام در عرصه‌های فرهنگی و بی‌توجهی نکردن به ارزش‌های دینی، انقلابی و اخلاقی (ب) پرهیز از برنامه‌هایی که می‌تواند حساسیت برانگیز و حاشیه‌ساز باشد.

۸- کیفیت برنامه‌های درسی سطح مدرسه و ارتقای آن

ملاک‌ها و شیوه‌های متعدد و مختلفی برای ارزیابی برنامه‌های مدرسه وجود دارد. چهار ملاک اصلی برای بررسی کیفیت برنامه‌های درسی عبارت است از ربط، همخوانی، امکان اجرا و اثربخشی.

ملاک‌ها و شیوه‌های متعدد و مختلفی برای ارزیابی برنامه‌های مدرسه وجود دارد. چهار ملاک اصلی برای بررسی کیفیت برنامه‌های درسی مطرح می‌کند. این ملاک‌ها برای برنامه‌های سطح مدرسه نیز کاربرد و موضوعیت دارد. این ملاک‌ها و توضیح مختصری درباره آنها در جدول ذیل نمایش داده شده است:

چهار ملاک اصلی برای بررسی کیفیت برنامه‌های درسی عبارت است از ربط، همخوانی، امکان اجرا و اثربخشی.

جدول ۵-۲- ملاک‌های ارزیابی کیفیت برنامه‌های تولید شده

ملاک‌ها	
ربط ^۱	آیا برنامه به یک نیاز پاسخ می‌دهد و بر اساس دانش و علم موجود طراحی شده است؟
همخوانی ^۲	آیا ساختار برنامه منطقی و دارای یکپارچگی لازم است؟
امکان اجرا و عملی بودن ^۳	آیا برنامه برای کسانی که طراحی شده و مصرف‌کنندگان قابل استفاده است؟
اثر بخشی ^۴	آیا برنامه پیامدهای سودمند داشته است یا نتایج مورد انتظار را برآورده می‌کند؟

این ملاک‌ها را نباید کاملاً جدا و منفک از یکدیگر دانست. در واقع این ملاک‌ها بر هم اثر متقابل دارد و بهتر است بگوییم روی یکدیگر ساخته می‌شود؛ برای مثال برنامه‌ای که اثربخش است، حتماً به میزان زیادی عملی است و به نیاز دانش‌آموزان و یا دانش موجود در آن عرصه ربط دارد.

موارد ذیل برای ارتقای کیفیت برنامه‌ها پیشنهاد می‌شود:

- انتخاب موضوعات مفید و برآمده از خواست سنجی و نیاز سنجی دانش‌آموزان، خانواده‌ها و مرتبط با زندگی واقعی؛
- استفاده از امکانات محلی؛
- ارائه فعال و خلاقانه؛
- داشتن برون داد قابل ارائه؛
- تلفیق رشته‌ها و موضوعات با یکدیگر و به‌ویژه توجه به وجه هنری در برنامه‌های ارائه شده؛ باید توجه کرد، ارزیابی برنامه‌های درسی مدرسه به عهده خود مدرسه است و باید به گونه‌ای باشد که مدرسه محوری و خود ارزیابی را تقویت کند. معاونت آموزشی آموزش و پرورش در زمینه پایش و مراقبت از اجرای برنامه مسئولیت و نقش اصلی را عهده‌دار است.

انتخاب موضوعات مفید و برآمده از خواست سنجی و نیاز سنجی دانش‌آموزان، خانواده‌ها و مرتبط با زندگی واقعی یکی از راه‌های ارتقای کیفیت برنامه‌هاست.

۱- Relevance
۲- Consistency
۳- Practicality
۴- Effectiveness

شما چه موارد دیگری برای افزایش کیفیت برنامه‌های درسی مدرسه خودتان پیشنهاد می‌کنید؟

تأمل و
بازاندیشی



با توجه به حرفه خودتان، برگزاری جشنواره‌هایی از فعالیت‌های دانش‌آموزان و با حضور والدین و افراد علاقه‌مند بیرونی را در ارتقای کیفیت برنامه درسی سطح مدرسه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تأمل و
بازاندیشی



در بلندمدت خود ارزیابی مدرسه، شیوه مناسب‌تری برای سنجش برنامه‌های درسی سطح مدرسه در مقایسه با ارزیابی‌های کاملاً بیرونی است. با مروری بر تجربه آموزشی و مدیریتی خود، این موضوع را چگونه تفسیر می‌کنید؟

تأمل و
بازاندیشی



